

بررسی حقوقی ضابطه‌ی اصالت آثار ادبی و هنری (همراه با نقد رأی دادگاه شعبه 1083 دادگاه عمومی کیفری تهران)

علی جعفری¹

(تاریخ دریافت: 1393/02/24 - تاریخ تصویب: 1393/06/18)

چکیده

مهم‌ترین شرط حمایت قانونی از آثار ادبی و هنری، داشتن اصالت است. هنگام بررسی اصالت آثار ادبی و هنری، باید به تفاوت اصالت با تازگی و کیفیت اثر توجه کرد. پرسش اصلی این پژوهش این است که مفهوم اصالت در آثار ادبی هنری و تمایز آن از مفاهیم مشابه چیست؟ در این پژوهش، پس از بررسی مفهوم اصالت، انواع آن و جدا سازی آن از مفاهیم مشابه، ضابطه‌ی اصالت را در حقوق کشورهای دیگر و معاهدات بین‌المللی (کنوانسیون برن، کنوانسیون رم، موافقت‌نامه‌ی تریپس و عهدنامه‌ی کپی رایت سازمان جهانی مالکیت فکری) بررسی می‌کنیم. عدم شناخت دقیق مفهوم اصالت و عدم تمایز میان این مفهوم با تازگی و کیفیت اثر، به صدور آراء ناموجه از سوی برخی محاکم انجامیده است که در این مقاله به یکی از آنها، یعنی شکایت آقای (ش.ط) (نویسنده‌ی کتاب یوسف صديق) علیه آقای (ف.س)، نویسنده و کارگردان سریال یوسف پیامبر(ع) که در سال 1387 و به اتهام سرقت ادبی صورت گرفت، می‌پردازیم و آن را مورد نقد قرار می‌دهیم.

واژگان کلیدی: مالکیت فکری، مالکیت ادبی، اصالت، شخصیت، سرقت ادبی.

مقدمه

حقوق مالکیت فکری، مفهوم حقوقی جدیدی است که چگونگی حمایت و استفاده از آفرینش‌های فکری بشر را تعیین می‌کند و شامل مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی- هنری می‌شود. مالکیت ادبی و هنری از آثار ادبی و هنری و آفریده‌های مرتبط با آن حمایت می‌کند. جان مایه‌ی حقوق مالکیت ادبی و هنری، حمایت از حقوق پدیدآورنده‌ی اثر و ایجاد زمینه‌ای مطمئن در جهت تشویق هنرمندان و مؤلفان برای خلق آثار بهتر است که در صورت تحقق چنین زمینه‌ای، بخش‌های مختلف جامعه هم با آگاهی از اصالت آثار، از فواید آن بهرمند خواهند شد. برای اینکه از پدیده‌ی ادبی و هنری حمایت شود، اصالت آن ضرورت دارد. نظام‌های حقوقی مختلف بر لزوم تحقق این شرط به عنوان شرطی اساسی، اتفاق نظر دارند. پرسش این است: که چه وقت گفته می‌شود که اثری، تقلیدی است و چه هنگام پدیده‌ی جدیدی است و تقلیدی نیست. در اینجا ضابطه‌ای وجود دارد تحت عنوان اصالت.

اصالت اثر سرآغاز پیدایش مالکیت ادبی هنری برای پدیدآورنده است. اما آیا می‌توان با کمیت‌های فیزیکی یا ریاضی، معیارهایی برای روشن کردن اصالت تعیین کرد؟ پاسخ این سؤال منفی است. باتوجه به مبانی حمایت از مالکیت فکری، باید دانسته شود که چه وقت، اثر، اثری اصیل محسوب می‌شود؟ نظریه‌ی شخصیت که در حقوق رومی ژرمنی مطرح می‌شود، بیان می‌دارد که اثر اصیل باید نشان‌دهنده‌ی شخصیت فرد باشد. پس اثر، هنگامی آفرینش فکری اصیل است که شخصیت شخص را نشان دهد و بتوان گفت این اثر متفاوت از اثر قبلی است؛ یعنی دارای درجه‌ی والایی از ابتکار باشد تا شخصیت را نشان دهد.

اما نظام‌های مبتنی بر اصالت منفعت می‌گویند، از آثار حمایت می‌شود تا علم گسترش یابد و گسترش علم به این صورت پدید می‌آید که اثر نباید کپی باشد و صحبت از شخصیت شخص نیست (حکمت‌نیا، 1387، ص 317). در قانون کشور ما یا در سایر قوانین، اصالت، تعریف نشده است و فقط صحبت از اصیل و بدیع بودن است.

در نظام کامن‌لا، اندک تغییری در اثر نشانه‌ی جدید بودن محسوب شده و از آن حمایت می‌شود ولی در آنجا که مبنای حمایت از مالکیت فکری، شخصیت است، میزان تغییر باید قابل توجه باشد. نظام‌های حقوقی مختلف درباره‌ی لزوم اصالت، به عنوان مهم‌ترین شرط حمایت از

مالکیت ادبی و هنری هم رأی هستند. اما درباره‌ی تبیین مفهوم و تعیین ملاک آن، هم رأی نیستند. برای بررسی دقیق‌تر اصالت به عنوان اصلی‌ترین شرط حمایت از آثار، مفهوم اصالت و ضابطه‌ی تشخیص اصالت را در آثار مختلف بررسی می‌کنیم.

1- مفهوم اصالت (Originality) در حقوق موضوعه ایران

منظور از اصیل بودن اثر این است که اثر توسط شخص پدیدآورنده خلق شده باشد. به عبارت دیگر، اثر باید زائیده تراوش‌های فکری پدید آورنده باشد تا از حمایت قانونی و قضایی برخوردار شود (زرکلام، 1387، ص 45). اصالت مفهوم حداقلی (Minimis) است. منظور از این ویژگی آن است که حمایت از یک اثر مستلزم وجود حداقل خلاقیت و ابتکار از ناحیه پدیدآورنده آن است. وجود این اصالت نیازمند وجوه برجسته تمایز نسبت به آثار مشابه نیست (Wilson, 2002, p.55). ممکن است در یک واقعه‌ی تاریخی، چندین اثر ادبی یا هنری ایجاد شود، یا بر اساس یک داستان، چندین اثر ادبی یا فیلم سینمایی ساخته شود و همه‌ی آن آثار مورد حمایت حقوق مولف قرار گیرد (انصاری، 1386، ص 113). یکی از تفاوت‌های بارز آثاری که حقوق اختراعات و مالکیت‌های ادبی و هنری از آن حمایت می‌کند، آن است که برای برخورداری یک اثر ادبی از حمایت‌های مالکیت‌های ادبی و هنری کافی است آن اثر، اصیل و ابتکاری بوده و صورت مادی داشته باشد و برخلاف اختراعات، نو بودن اثر ایجاد شده هیچ تأثیری در اعطای حقوق مولف به آن اثر ندارد (CSTB, 2002, p.24).

امروزه در قوانین همه کشورها، پذیرفته شده است که برای اصیل دانستن یک اثر، لازم نیست که اثر مورد اختلاف با هیچ یک از آثار قبل از خود ارتباط نداشته باشد. زیرا بدون تردید علم و دانش ما مبتنی و دست‌آوردهای پیشینیان است و بنابراین استفاده از آنها، اجتناب ناپذیر است (Gautier, 1992, p.62). بر همین اساس است که آثار موسوم به اشتقاقی یا مرکب مانند جنگ‌ها، گلچین‌ها، ترجمه‌ها و اقتباس‌ها به عنوان آثار مورد حمایت پذیرفته شده‌اند (ماده 5 قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب 1348 ایران).

در حقوق ایران قانون‌گذار به مفهوم اصالت، با عنوان ابتکاری بودن اثر توجه کرده است. در قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب 1348، درباره‌ی برخی آثار،

به شرط ابتکاری بودن اشاره شده و درباره‌ی برخی دیگر از مطلق اثر حمایت شده است. ماده‌ی 1 این قانون اعلام کرده است، به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار پدید می‌آید «اثر» اطلاق می‌شود و قانون از این اثر حمایت می‌کند. در این ماده، ابتکار یکی از منابع ایجاد اثر به شمار رفته و درباره‌ی اینکه آیا در آثاری که از راه دانش یا هنر ایجاد می‌شوند، ابتکاری بودن، شرط است یا نه سخنی به میان نیامده است. در ماده‌ی 2، که اثرهایی که قانون از آنها حمایت می‌کند، نام برده شده‌اند، درباره‌ی برخی آثار همچون کتاب و نمایش‌نامه، سخنی از ابتکاری بودن به عنوان شرط حمایت این آثار به میان نیامده است. به ضرورت ابتکاری بودن اثر در بند 5، درباره‌ی نقاشی، تصویر و نظایر آن، بند 8، درباره‌ی عکاسی، بند 9 درباره‌ی هنرهای دستی یا صنعتی و امثال آن، بند 10 درباره‌ی آثار فولکلوریک، بند 11 درباره‌ی آثار فنی و بالاخره در بند 12 درباره‌ی آثاری که از ترکیب سایر آثار ایجاد می‌شود، به صراحت اشاره شده است (زرکلام، 1387، ص 45).

در بند 1 ماده‌ی یک، پیش نویس لایحه‌ی جامع قانون حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری، شرط اثر محسوب شدن و در پی آن بهره‌مندی از حمایت‌های قانونی، این است که آفریده‌ی ادبی و هنری، اصالت داشته باشد. در بند 20 ماده‌ی یک آمده: «اصیل، عبارت است از هر آنچه که بدون تقلید از دیگری، از خلاقیت خود پدید آورنده ناشی شده باشد؛ هرچند از لحاظ موضوع یا محتوا جدید نباشد» (شیری، 1389، ص 18). پس ممکن است اثری، اصالت داشته باشد ولی از نظر موضوع یا محتوا جدید نباشد.

برخی حقوق‌دانان معتقدند، ابتکاری بودن اثر، مترادف اصیل بودن آن است (صفائی، 1375، ص 73). اما «شاید نتوان اصالت را مرادف ابتکاری بودن اثر دانست و لذا در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان نیز به «هر آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار» پدید آید، اثر اطلاق شده است. به عبارت دیگر، نو و ابتکاری بودن، یکی از دلایل پیدایش اثر و حمایت از آن است؛ نه همه‌ی آن» (اسماعیلی، 1384، ص 16). اصالت، ابتکار حداقلی است. در قانون مصر تصریح شده است که ارزش مادی ابتکار و انگیزه‌ی آن تأثیری در حمایت از اثر ندارد (سنهوری، بی تا، ص 291).

اصالت مفهوم شخصی دارد، نه نوعی (Stewart, 1989, p.50). بدین معنا که آنچه شرط حمایت محسوب می‌شود، این است که اثر، مظهر شخصیت پدید آورنده باشد ولی نو بودن آن از نظر نوعی لازم نیست؛ مثلاً، اگر دو نقاش، یکی پس از دیگری از یک منظره تابلوهای مشابهی رسم نمایند، بدون اینکه یکی از دیگری تقلید کند، اثر هر یک، با توجه به اینکه انعکاسی از شخصیت پدید آورنده است، اصیل محسوب می‌شود؛ هرچند که تابلوی دوم، نو نیست (صفایی، 1375، ص 73). سنه‌وری در تعریف اصالت می‌گوید: یعنی اینکه «شخصیت پدید آورنده بر اثر او سایه افکنده باشد» (سنه‌وری، بی تا، ص 192). با این حال، تشخیص اصالت اثر همواره آسان نیست. نه تنها باید بین مفهوم اصالت و مفهوم تازگی، بلکه باید بین اصالت مطلق و اصالت نسبی فرق گذاشت.

2- تفکیک اصالت از تازگی

بدیع بودن شرط اساسی حمایت حقوق مالکیت صنعتی از یک اختراع است. در آنجا هدف این است که دست‌آورد مورد بحث، گرهی از مشکلات پیش‌روی بشر باز کند و به عبارت دیگر، با قابلیت و کارایی خود، وضع نوع بشر را از زمان قبل از اختراع بهتر سازد. بنابراین، طبیعی است که دست‌آوردی که سابقه داشته باشد، چنین نتیجه‌ای را به همراه ندارد. در قلمرو حقوق مولف به ندرت در قوانین کشورها اصالت به معنای تازگی به کار رفته است¹ و کنوانسیون‌ها نیز اصالت را در معنای تازگی به کار نبرده‌اند. یک پدیدآورنده، برخلاف مخترع که قصد تغییر طبیعت از طریق به کارگیری تکنیک و فنون جدید را دارد، گفته و کلامی متفاوت (حداقل به لحاظ شکلی) ارایه می‌کند. کار او بر خلاف مخترع به دنیای غیر مادی مرتبط است و بنابراین نمی‌توان از وی نو بودن کارش را انتظار داشت. کافی است که او تلاش شایسته‌ای برای پدید آمدن یک اثر انجام داده باشد.

هر چند آثار ادبی و هنری اغلب تازگی دارند، ولی گفته شد که تازگی، شرط ضروری برای حمایت از این آثار نیست. حق مولف امتیازی است که به آثار فکری تعلق می‌گیرد و به

1- در قانون السالوادور اصالت به معنای نو بودن اثر در نظر گرفته شده است (محمدزاده و ادقانی، 1385، ص 33).

بیان دیگر، برگرفته از این نوع آثار است. این امتیاز، ارتباطی به بدیع بودن اندیشه‌ها ندارد. نظام حق مولف برحق نویسنده، هنرمند یا آهنگساز برای جلوگیری از استفاده‌ی غیرمجاز اشخاص دیگر از یک اثر بکر استوار است. ممکن است دو فرد به طور مستقل به نتیجه‌ای واحد برسند و در صورتی که اثر آنان از روی یک اثر دارای حق مولف دیگر کپی نشده باشد، هر دو از امتیاز حق مولف بهره‌مند شوند. بنابراین، یک اثر ابتکاری به صورت اثری که محصول اندیشه و تلاش مستقل یک فرد است، تعریف می‌شود. ابتکاری بودن یک اثر، مستقل از تازگی یا ارزش هنری آن است (گرباود، 1380، ص 33). بر این اساس، اصالت، به معنای نو بودن یا نداشتن سابقه نیست. آنچه مهم است، مستند بودن اثر به ذوق و اندیشه پدیدآورنده‌ی آن است.

عنصر اصلی در حمایت از آثار ادبی و هنری این است که، نقش شخصیت پدیدآورنده در اثری که بر سر آن نزاع است، مشخص شود. بنابراین اثر نه تنها به خلق چیزی که قبلاً موجود نبوده، گفته می‌شود، بلکه به آن چیزی که از طریق دیدن آثار قبلی ایجاد شده نیز گفته می‌شود. بنابراین، از اثری که با تصویربرداری از یک تابلو یا اقتباس از یک مجسمه ایجاد شده، همان قدر حمایت خواهد شد که از پدیدآورندگان آثار اولیه حمایت می‌شد. در واقع درباره‌ی اصالت یک اثر ادبی و هنری به ندرت تردید می‌شود، زیرا اصالت بر اساس معیار شخصی سنجیده می‌شود نه نوعی. برخی حقوق‌دانان، از فرق نگذاشتن بین مفهوم اصالت و مفهوم تازگی درباره‌ی آثار ادبی و هنری و تصریح نکردن به شرط تازه نبودن اثر در قوانین ایران انتقاد کرده‌اند (صفائی، 1375، ص 74).

برخلاف آثار ادبی و هنری که برای حمایت از آنها اصالت به مفهوم گفته شده، کفایت می‌کند، در آثار مرتبط با مالکیت صنعتی نظیر اختراعات، احراز تازگی اثر به عنوان یک معیار عینی به منظور حمایت از این گونه آثار ضرورت دارد. دلیل چنین تفاوتی بین آثار ادبی و هنری و اختراعات این است که هدف اصلی حق مؤلف حمایت از پدید آورندگان است، در حالی که درخصوص اختراعات، هدف حمایت از حقوق اجتماعی است. نباید دو مفهوم اصالت و تازگی را یکی دانست و پدید آورنده‌ی اثر ادبی و هنری را به این دلیل که اثر او تازگی ندارد، از حمایت قانونی محروم کرد؛ به عبارت دیگر؛ همین که اثر ادبی و هنری به

پدید آورنده منسوب باشد و برخاسته از تراوش‌های فکری او محسوب شود، خواه تازگی داشته باشد یا نداشته باشد، باید از آن حمایت شود (زرکلام، 1387، ص 47).

چنانچه حمایت‌های نظام حق مولف تنها برای آثاری که شایستگی ماهوی آن را دارند، در نظر گرفته شود، نتایج خطرناکی به دنبال خواهد داشت، زیرا به قضاوت‌هایی درباره‌ی کیفیت زیباشناختی آثار دیگران می‌انجامد (چنانچه در رأی دادگاه نیز چنین اشتباهی رخ داده است). یا اگر چنین شرطی لازم باشد، در این صورت برای مثال، نظام حق مولف نباید از آثار اولیه‌ی پیکاسو حمایت کند؛ چرا که در آن زمان تنها تعداد بسیار کمی از آثار او خوش‌شان می‌آمد و به استعداد او پی نبرده بودند. بنابراین، همان‌طور که «پویی» (Pouillet) نیز گفته است نظام حق مولف درباره‌ی آثار قضاوت نمی‌کند؛ نه به سبک و سنگین کردن ماهیت و محتوای اثر می‌پردازد و نه به اهمیت آن نظر دارد؛ قانون از همه‌ی آثار به طور چشم بسته حمایت می‌کند، اعم از اینکه خوب باشند یا بد؛ مفید باشند یا خطرناک؛ محصول یا ثمره‌ی هوش و ذکاوت باشند یا ثمره‌ی فکر معمولی؛ نتیجه‌ی کار ساده‌ای باشند یا محصول کاری طاقت‌فرسا. هر اثر ادبی یا هنری می‌تواند از مقررات حق مولف به نفع خود استفاده کند» (Colombet, 1997, p.31).

مهمترین تفاوت‌های اصیل بودن و نو بودن اثر عبارتند از: اول، اصیل بودن، به شکل بیان اثر اشاره دارد ولی نو بودن به ماهیت اثر. دوم، اصیل بودن درباره‌ی آثار ادبی و هنری لازم است اما نو بودن درباره‌ی آثار صنعتی. سوم، اصیل بودن نشانه‌ی تلاشی خلاقانه است اما نو بودن به معنی نبود مشابه یک اثر در گذشته. چهارم، اصیل بودن جنبه‌ی شخصی دارد ولی نو بودن جنبه‌ی نوعی دارد. پنجم، اصیل بودن گاهی جنبه‌ی مطلق دارد و گاهی نسبی، ولی نو بودن همیشه جنبه‌ی مطلق دارد (انصاری، 1386، ص 115).

برخی از نویسندگان اعتقاد دارند رابطه میان این دو عموم و خصوص مطلق است، بدین معنا که هر کار جدیدی، اثری اصیل محسوب می‌شود. به عبارت بهتر، نو بودن و تازگی داشتن یک اثر ملازمه با اصالت آن دارد (انصاری، 1386، ص 115). درحالی‌که به نظر می‌رسد این رابطه عموم و خصوص من وجه باشد. به عبارت بهتر، بعضی از آثار نو، اصیل هستند و برخی از آنها اصیل محسوب نمی‌شوند. هم‌چنین بعضی از آثار اصیل، جدید محسوب می‌شوند، ولی بسیاری

از آثار اصیل، تازه نیستند. برخی از کارها برای اولین بار خلق شده‌اند و تازه هستند، ولی اصالتی ندارند مانند تهیه لیست دانش‌آموزان یک مدرسه، بر اساس حروف الفبا (Bertand, 1999, p.133). شعبه اول حقوق دیوان عالی فرانسه در رأی 2 می 1989 اعلام کرده است با این حال، در مورد نرم‌افزارها، آثار موسیقی و هنرهای دستی، رویه قضایی در سایر کشورها، اصالت را به تازگی و نو بودن نزدیک کرده است (Ibid). در بسیاری از موارد تازگی اثر، بدین معنا که صرفاً ناشی از اندیشه پدید آورنده باشد و مشابهی در میان نباشد، اصالت داشتن را قطعی می‌سازد، اما همیشه این امر صادق نیست. فهرستی تازه از داده‌های پردازش نشده، تازگی دارند ولی اصالت ندارند.

3- اصالت مطلق و اصالت نسبی

اصالت به دو نوع مطلق و نسبی تقسیم می‌شود؛ اصالت اثر زمانی مطلق است که اثر بر مبنای اثری که قبلاً پدید آمده، پدید نیامده باشد. بدین معنا که اثر مورد نظر اولین اثر در نوع خود و از هر حیث بی‌نظیر باشد. به عبارت بهتر، در خلق آن از آثار متقدم الهام نگرفته باشند یا آنکه اثر بر آثار پیش از خود مبتنی نباشد. اصالت اثر هنگامی نسبی است که اثر، برخی عناصر اساسی اثر پیشین را به عاریت گرفته و در خود داشته باشد و بنا به تعبیری، اثر با تکیه بر آثار سابق به وجود آمده باشد. در صورت اصالت نسبی، عناصر عاریتی ممکن است به مرحله‌ی تدوین اثر (مثلاً طرح و نقشه‌ی اولیه) یا به مرحله‌ی اجرای آن (نظیر جملات، سبک‌ها و ابزارهای به کار گرفته شده) مربوط شود. آثاری که بر پایه‌ی آثار پیشین پدید می‌آیند، گوناگون هستند که از آن جمله می‌توان به اقتباس‌ها و ترجمه‌ها اشاره کرد. جداسازی بین اصالت مطلق و اصالت نسبی خالی از فایده‌ی عملی نیست. در واقع، پدیدآورنده‌ی اثری که اصالت مطلق دارد بدون هیچ قید و شرطی دارای حق مؤلف است، در حالی که پدیدآورنده‌ی اثری که اصالت نسبی دارد باید حقوق مادی و معنوی پدید آورنده‌ی اثری را که مبنای اثر او بوده، رعایت کند (زرکلام، 1387، ص 48).

آثاری که به طور عمده‌ای بر اطلاعات در دسترس همگان متکی هستند و اصالت نسبی دارند، جز در صورتی که استفاده دیگران از آن آثار گسترده باشد، نقض در موردشان حاصل

نمی‌شود. برعکس آثاری که اصالت مطلق دارند، با برداشت حتی بخش کوچک از آنها، نقض احراز می‌شود (Bertand, 1999, p.152). با این حال جداسازی اثر دارای اصالت مطلق از اثر دارای اصالت نسبی، به خصوص درباره‌ی آثار اقتباسی، همواره آسان نیست. درباره‌ی این گونه آثار اگر آنچه به عاریت گرفته شده، صرفاً ایده‌های اثر پیشین باشد، اثر جدید اصالت مطلق دارد، زیرا ایده‌ها آزادانه در دسترس هستند و حق مؤلف آنها را در بر نمی‌گیرد؛ ولی چنانچه اثر جدید شکل، طرح و نحوه‌ی تدوین را از اثر پیشین را عاریت گرفته باشد، اثر اصالت نسبی دارد و پدید آورنده‌ی اثر جدید باید حقوق مادی و معنوی پدید آورنده‌ی اثر را حفظ کند.

4- رابطه اصالت با کیفیت و ارزش اثر

یک روش متعارف سنجش کیفیت آثار، مقایسه میان آثار هم نوع مانند یک کتاب با کتاب دیگر است. بعضی معتقدند که اصالت و داشتن کیفیت در مورد آثار یک معنا دارد (Gautier, 1992, p.48). براساس این نظر، اصالت نقطه مقابل ابتذال است و ابتذال به کار گرفتن مصالح و مضامین هنری، موارد ادبی و هنری و ملودی‌های شناخته شده عمومی که اغلب پیش از آن توسط دیگران به کار گرفته شده‌اند و به شخص خاصی تعلق ندارند، می‌باشد. این کار اثر نیست، بلکه یک مال مباح تلقی می‌شود. اما نویسنده دیگری این نظر را نمی‌پذیرد و معتقد است که نبودن اصالت به معنای ابتذال نیست، بلکه به معنای عدم وجود علامت شخصیت پدیدآورنده یا نشانه تمیاز وی از طریق اثر است (Bertand, 1999, p.138). به نظر می‌رسد، کیفیت اثر در واقع ویژگی است که پس از احراز اصالت اثر مطرح می‌شود.

در قوانین ایران راجع به ارزش آثار و بی‌تأثیری آن در اصالت اشاره‌ای نشده است. ولی در قانون و رویه قضایی فرانسه به دقت این امر مورد توجه قرار گرفته است (محمدزاده وادقانی، 1385، صص 33 و 34). در حقوق فرانسه ماده 1-112 قانون مالکیت فکری اعلام کرده است: «مقررات این قانون از حقوق پدیدآورندگان کلیه آثار فکری صرف نظر از نوع، شکل بیان، کیفیت یا هدف آنها حمایت می‌کند». ارزش اقتصادی و مطلوبیت بازاری یا میزان استفاده از امکانات و تجهیزات در خلق اثر، مبنای احراز اصالت نیستند (Kerever, 1996, p.202). همچنین ارزش‌گذاری آثار که امری سلیقه‌ای و فردی است، معیار درستی برای تشخیص

خلاقیت افراد نیست. به همان اندازه که کتاب تأثیرگذار مثنوی مولوی اثر محسوب می‌شود، یک قطعه شعر کوتاه دو بیتی نیز می‌تواند اثر محسوب شود (Bertand, 1999, p.151).

هدف خلق اثر، نباید در ارزیابی اصالت مؤثر باشد و قاضی نمی‌تواند هدف خلق اثر که ممکن است تجارت، صنعت، ابراز احساسات یا هر امر دیگری باشد را در ارزیابی خود سهیم سازد. رأی 9 اکتبر 1990 شعبه تجاری دیوان عالی کشور فرانسه اعلام کرده است، قاضی نمی‌تواند هیچ‌گونه ارزش‌گذاری هنری یا هدف تجاری بر روی اثر داشته باشد. همین مرجع با وجود این که یک فیلم تبلیغاتی، تصویر بدی از محصولات مورد آگهی ارایه می‌کرد، اجازه هیچ‌گونه ارزیابی اثر را ندارد و ضمن اثر شناختن فیلم مذکور (با وجود جنبه تجاری آن) مسئولیت پدید آورنده فیلم در مقابل آگهی دهنده را، قراردادی دانست (Gautier, 1992, p.61). علاوه بر این که نوع استفاده و کاربرد اثر، تأثیری در اثر بودن آن ندارد، بی‌استفاده یا کم‌ثمر بودن آن و هدفی که ممکن است، انتقال دهنده اثر در بهره‌برداری از آن داشته باشد، نیز در ارزیابی مؤثر نیست (Desbois, 1978, p.48).

در حقوق ایران، به عدم لحاظ هدف خلق اثر در ارزیابی آن، تصریح نشده است. با این حال، از شناسایی برخی آثار در ماده 2 قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب 1348 و اشاره به این که منظور از خلق هر چه باشد (مانند بند 3 این ماده که منظور از خلق اثر سمعی و بصری را به طور ضمنی بی‌تأثیر دانسته است و آثار تزئینی و طرح و نقشه‌های ساختمان و هنرهای صنعتی در بند 9 ماده 2) از یک سو و بند 6 ماده 5 قانون که واگذاری حق «استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی» را پیش‌بینی کرده است، چنین استنباط می‌شود که قاعده مذکور شناسایی و مورد احترام، قرار گرفته است.

5- تشخیص اصالت در آثار ادبی و هنری

ماده اول قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان 1348 در ارایه تعریف خود از اثر، انعطاف بسیاری نشان داده است و به «هر آنچه» از راه دانش یا هنر و ... به دست می‌آید، اثر اطلاق کرده است. از سوی دیگر، در حقوق ایران ثبت آثار اختیاری است و اشخاص اجباری در ثبت آثار خود (برای تحقق اثر) ندارند. در مواردی نیز که اشخاص آثار خویش را

به منظور اخذ مجوزهای ضروری ارایه می‌کنند مانند اخذ پروانه نمایش یا انتشار کتاب و اخذ شابک در مورد کتاب‌ها و غیره، مراکز مذکور بررسی اصالت در مورد اثر انجام نمی‌دهند و گواهی یا مجوزهای آنان به خودی خود نمی‌تواند به طور قاطعی معرف اصالت اثر باشد.

در فرض بروز تردید در وجود اصالت در اثر مورد ادعا یا تکذیب اصالت توسط خواننده دعوی نقض حقوق اثر، قاعده چیست؟ و کدام مرجع صلاحیت بررسی دارد؟ گفته شد ماده اول قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان ایران حاکی از آن است که به «هر آنچه از راه دانش و هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید، بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار گرفته «ثر» اطلاق می‌شود» که در واقع، بیانگر اصل حمایت بدون قید و شرط از نتایج و دست‌آوردهای بیرونی اندیشه بشری است. بنابراین اصل بر اصيل بودن آن چیزی است که شکل اثر به مفهوم قانونی را دارا باشد. به عبارت بهتر، داشتن اصالت مفروض است و اثبات خلاف آن، ضروری است؛ این نظر، از آن جهت که معیارهای احراز اصالت محدود نیست و با لحاظ انواع آثار، گوناگونی مشهودی دارد و علاوه بر آن، اصالت مطلق نیز معیار محسوب نمی‌شود، قابل تأیید می‌باشد (امامی، 1386، ص 96). در حقوق کشور فرانسه برخی از نویسندگان همین نظر را مورد تأیید قرار داده‌اند (Gautier, 1992, p.63). اصل راهبردی ممنوعیت قضاوت از توجه به محتوا و ارزش و هدف آثار نیز این اماره را به ذهن القا می‌کند. با این حال، برخی آرای صادره در این کشور، خلاف این نظر را تأیید کرده‌اند: مثلاً شعبه اول دادگاه استیناف لیون در مارس 1981 رأی داده شده است که «اثبات ویژگی‌های منحصر به فرد کار که به مدعی اجازه می‌دهد، چنین ادعایی را مطرح نماید، بر عهده عکاسی است که پدیدآورنده بودن خود را ادعا می‌نماید» (Bertand, 1999, p.146).

در هنگام پدید آمدن آثار ادبی ابتدا ایده شکل می‌گیرد و سپس بر اساس آن، اثر آماده می‌شود. بنابراین درباره‌ی این گونه آثار، ایده جدا از شکل بیان آن، وجود دارد ولی به تنهایی قابل حمایت نیست. در آثار ادبی، این موضوع که اثر به طور شخصی اجرا شود یا خیر، اهمیتی ندارد. یک نویسنده می‌تواند افکار خود را خود شخصاً به رشته تحریر درآورد یا دیگری آن را

بنویسد. بنابراین شخصی که نویسنده را در نگارش آن یاری می‌کند، نمی‌تواند از حمایت حق مؤلف استفاده کند.

امروزه برخی آثار هنری در پی شرح وضعیت یا یک احساسی خاص نبوده و به خودی خود هیچ پیام ویژه‌ای ندارند. اگر در نظام سنتی حق مؤلف، از ایده‌ها حمایت نمی‌شود، در هنرهای معاصر یا «هنرهای مفهومی» هنرمندان بر آن‌اند که از ایده‌ها، صرف نظر از نحوه‌ی اجرا، همانند یک «اثر»، به طور کامل حمایت می‌شود. به نظر برخی حقوق‌دانان، تفکیک بین شکل بیان و ایده‌ها، تفکیکی تصنعی است، زیرا در بسیاری از هنرهای معاصر، اثر به واقع در ایده‌ها تجلی می‌یابد (Walraven, 1996, p.97).

از سوی دیگر، ویژگی‌های هنرهای معاصر، برخی از حقوق‌دانان را بر آن داشته تا خواستار بررسی مجدد نظریه‌ی رابطه‌ی بین شخصیت پدید آورنده و اثر شوند. درباره‌ی آثار هنری معاصر هنرمندان عموماً درصددند تا با ممکن سازی ادراک مستقیم ردپای خود را در اثر از بین ببرند؛ به عبارت دیگر، بر عهده‌ی بیننده است که اثر را به گونه‌ی دیگری بنگرد. چگونگی اثر پذیری بیننده از اثر، به دیدگاه، میزان حساسیت و منش وی بستگی دارد. امروزه گفته می‌شود، هنر پیشرفته آن است که پدید آورنده‌ی آن دیده نشود. با این حال، ردپای شخصیت پدید آورنده به کلی گم نمی‌شود، بلکه از لایه‌های برونی به لایه‌های درونی‌تر منتقل می‌شود (Lucas, 2004, p.22).

6- اصالت اثر در حقوق کشورهای دیگر

مبانی مالکیت فکری در شناخت میزان اصالت، اثر گذاشته است. کشورهای اثر پذیرفته از مبنای شخصیت، مانند آلمان و فرانسه، اصالت اثر را به شخصیت پیوند زده‌اند. در حقوق آلمان، ضابطه‌ی اصالت اثر را با «خلق فکری شخصی» (Personal Intellectual Creation) برابر دانسته‌اند (Steawel, 2006, p.442). ماده‌ی 2 قانون کپی رایت آلمان پس از ذکر برخی از مصادیق بارز آثار حمایت پذیر، در پایان فهرست مصادیق، اعلام می‌کند که این قانون از تولیدات فکری شخصی نیز حمایت می‌کند؛ یعنی، لازم نیست اثر فکری حتماً یکی از انواع آثار حمایت پذیر بیان شده در قانون باشد تا از آن حمایت شود. در حقوق فرانسه نیز اصیل و

ابتکاری بودن اثر گرچه به صراحت در قانون مالکیت‌های فکری ذکر نشده است، ولی رویه‌ی قضایی و دکترین آن را پذیرفته است (انصاری، 1386، ص 124). رویه‌ی قضایی این کشور بر این نکته تأکید دارد که اثر باید از نظر شکل، بیان، نوع، شایستگی و هدف آن اصالت داشته باشد (Cass. Civ, 1989, p.15). این موضوع در رویه‌ی قضایی و دکترین فرانسه با عبارت‌هایی از قبیل آن چیزی پدیده‌ی فکری دانسته می‌شود که «دارای نشانه‌ی شخصیت پدید آورنده باشد و شخصیت، وجه خاصی به موضوع ایجاد شده دهد»، «انعکاس دهنده‌ی شخصیت پدید آورنده» و «مهر شخص پدیدآورنده باشد» بیان شده است. این‌ها همه بیان‌گر آن است که اثر مورد حمایت باید نشانه‌ی شخصیت پدیدآورنده باشد (حکمت‌نیا، 1387، ص 318). از همین رو «دریر» (Dreier) می‌نویسد: آنچه از آن حمایت می‌شود، شخصیت پدیدآورنده است که در قالب کار حمایت می‌شود (Davies, 2002, p.330).

در حقوق آلمان برای بیان مفهوم اصالت از عبارت «منحصر به فرد بودن» استفاده شده است. در قسمت دوم ماده‌ی 2 قانون مالکیت ادبی و هنری آلمان آمده است: «از نظر این قانون فقط آفرینش‌های فکری منحصر به فرد در حکم اثر هستند». لزوم اصالت داشتن در ماده‌ی 3 همان قانون درباره‌ی اقتباس نیز با عبارت «منحصر به فرد بودن» تکرار شده است (قانون مالکیت فکری فرانسه و آلمان، 1384، ص 124).

در دستورالعمل‌های اتحادیه‌ی اروپا نیز که در صدد تعریف و تعیین شرایط کپی رایت در برخی آثار برآمده است، اصیل بودن اثر پذیرفته شده و از آن با عنوان «خلق فکری مؤلف» یاد شده است؛ برای مثال، در دستورالعمل به «هماهنگ‌سازی مدت حمایت از کپی‌رایت و برخی حقوق وابسته به آن»¹ آمده است که آثار در صورتی اصیل دانسته می‌شوند که «مخلوق فکری خود مؤلف» باشند. همین‌طور، دستورالعمل‌های مربوط به حمایت از برنامه‌های رایانه‌ای² و

1- Directive 2001/29/EC of the European Parliament and of the Council of 22 May 2002 on the Harmonization of Certain Aspects of Copyright and Related Rights in the Information Society. At http://europa.eu.int/smartapi/cgi/sga_Doc?smartapi!celexapi!prod!CELEX_numDoc&numdoc=32001L0029&model=guichett&lg=en.

2-Council Directive 91/250/EEC of 14 May 1991 on the Legal Protection OF Computer Programs. At: http://europa.eu/legislation_summaries/other/126027_en.htm.

حمایت قانونی از پایگاه‌های داده‌ها،¹ از همین عبارت و ضابطه برای تعریف اصیل بودن اثر استفاده می‌کنند. پیش‌بینی می‌شود که این ضابطه راهبرد آینده‌ی اتحادیه در تعریف اصالت آثاری باشد که قانون کپی‌رایت از آنها حمایت کند (انصاری، 1386، ص 126).

در حقوق انگلستان نیز شرط حمایت از برخی آثار، اصیل بودن آنها است. و منظور از اصیل بودن آن است که مؤلف باید اثر را پدید آورده باشد. البته دادگاه‌ها در انگلستان بیشتر به «مهارت، داوری و کار» توجه کرده‌اند (حکمت‌نیا، 1387، ص 318). در نظام معروف به کپی‌رایت، تا زمانی که اثر تکثیر (کپی) نشده، اصیل شمرده می‌شود (Hart & Fazzani, 2004, 149) با وجود این، بخش دوم قانون کپی‌رایت انگلستان، مصوب 1988م، که به موضوع کپی‌رایت و آثار حمایت‌پذیر پرداخته، درباره‌ی برخی آثار، اصیل بودن آنها را لازم ندانسته است. هدف از این اقدام قانون‌گذار، حمایت از اشخاص سرمایه‌گذار در بنگاه‌هایی است که آثار مؤلفان را در اشکالی که از نظر به لحاظ تجاری از آنها بهره‌برداری می‌شود، نگهداری می‌کنند. اصطلاح «اصالت اثر» در قانون کپی‌رایت، معنای متفاوتی با معنای عرفی دارد: نو بودن، اختراعی بودن یا نبود هرگونه سابقه‌ی مشابه باعث اصیل محسوب شدن آن اثر نمی‌شود، بلکه اثر باید به گونه‌ای باشد که مؤلف آن را پدید آورده باشد. رویه‌ی قضایی برخی کشورها، اصیل بودن اثر را ترجمان شخصی مؤلف و برآمده از او تعریف کرده‌اند (انصاری، 1386، ص 125).

در قانون کپی‌رایت آمریکا نیز تنها از آثار اصیل حمایت شده است. برای اینکه اثری اصیل دانسته شود، لازم نیست نو و بدیع باشد، بلکه حتی اگر اثری از روی اثر دیگری کپی شده باشد، ممکن است اصیل شناخته شود. کافی است اثر دوم، تغییرات مشخصی در مقایسه با اثر اصیل اولیه داشته باشد. بنابراین، اگر اثری که وارد حوزه‌ی عمومی شده و دیگر قانون کپی‌رایت از آن حمایت نمی‌کند، یک اثر تقلیدی با تغییرات مشخص پدید آید، کپی‌رایت از این اثر، حمایت می‌کند (Steawel, 2006, p.441). ماده‌ی 102 قانون کپی‌رایت آمریکا درباره‌ی آثاری که کپی‌رایت از آنها حمایت می‌کند، می‌گوید: «حمایت کپی‌رایت ... آثار

1- Directive 96/9/EC OF the European Parliament and of the Council of 11 March 1996 on the Legal Protection of Databases. At: http://europa.eu/legislation_summaries/internal_market/businesses/intellectual_property/126028_en.htm.

اصیل برآمده از تألیف را که در وسیله‌ای محسوس بیان شده باشد، شامل می‌شود این وسیله ممکن است اکنون شناخته شده باشد و یا در آینده ایجاد شود و آثار بیان شده، از طریق آن وسیله، دریافت شدنی، تکثیر پذیر و یا به شکل‌های دیگر، خواه به طور مستقیم و خواه به کمک یک ماشین و یا وسیله، انتقال پذیر و باشد» (انصاری، 1386، ص 127).

به اعتقاد برخی حقوق‌دانان آمریکا، از این ماده چنین برمی‌آید که سه شرط عمده برای استفاده از حمایت‌های کپی‌رایت لازم است و دادگاه‌های آمریکا نیز در آرای مختلف خود بر این سه شرط تأکید کرده‌اند. این سه شرط عبارتند از: اصالت اثر، داشتن خلاقیت و تثبیت اثر (Bruce, 1995, p.24). شرط‌های اول و دوم، از این قید قانونی استخراج می‌شوند که حمایت کپی‌رایت تنها آثار اصیل پدید آمده از تألیف را در برمی‌گیرد. برای اینکه اثری، اصیل دانسته شود، کافی است که یک آفرینش مستقل باشد و از آثار دیگران کپی نشده باشد (Schuman, 1998, p10). لازم نیست اثر، جدید و نو و یا منحصر به فرد باشد. برای اینکه اثری، مبتنی بر خلاقیت دانسته شود، کافی است ذره‌ای از خلاقیت در آن دیده شود و داشتن سطح بالایی از خلاقیت، لازم نیست (انصاری، 1386، ص 128). دیوان عالی آمریکا در دعوای معروف «فیست» (Feist) اعلام کرده است که برای احراز اصالت کافی است که اثر به شیوه‌ای مستقل باشد و نسخه‌برداری از آثار سابق نباشد و حداقلی از خلاقیت را داشته باشد. ممکن است که اثری اصیل باشد، هر چند مشابهت‌های فراوان با آثار سابق داشته باشد (Bertand, 1999, p.145). دادگاه‌های آمریکا نیز اگرچه در زمان قدیم، بیش‌تر به حقوق انگلستان گرایش داشته، ولی در سال 1991م دیوان عالی در پرونده‌ی «فیست» (Feist) به حقوق فرانسه و آلمان نزدیک شده و به شخصیت توجه کرده است (حکمت‌نیا، 1387، ص 317).

در حقوق کانادا نیز اصالت اثر برای استفاده از حمایت کپی‌رایت لازم است. در قوانین مربوط به مالکیت‌های فکری کانادا، تعریف خاصی درباره‌ی اصالت دیده نمی‌شود و در عمل، تشخیص این ضابطه با دادگاه‌ها است. تاکنون آرای مختلفی در محاکم این کشور صادر شده که از نظر دادگاه اصالت اثر به معنای «نشأت گرفتن اثر از پدیدآورنده» و گاه به معنای «کپی‌برداری نکردن اثر از آثار دیگران» دانسته شده است. همچنین رویه‌ی قضایی کانادا

می‌گوید که اصالت، درباره‌ی بیان و شکل اثر لازم است نه درباره‌ی ایده و محتوایی که در آن گنجانده شده است (انصاری، 1386، ص 129).

7- گزارشی از رأی شعبه‌ی 1083 دادگاه عمومی کیفری تهران

در سال 1387 آقای «ش.ط» نویسنده‌ی کتاب یوسف صدیق با تنظیم شکایتی علیه آقای «ف.س»، نویسنده و کارگردان سریال یوسف پیامبر (ع) مدعی شد ایشان مرتکب سرقت ادبی شده‌اند. شعبه‌ی دوم بازپرسی دادسرای ویژه‌ی رسیدگی به جرایم کارکنان دولت، در تاریخ سوم مرداد 1388 درباره‌ی اتهام استفاده‌ی غیرمجاز آقای «ف.س» از فیلم‌نامه‌ی آقای «ش.ط»، بدون ذکر اسم و اجازه‌ی صاحب اثر در فیلم‌نامه‌ی سریال «یوسف پیامبر (ع)» به نام خود و ذکر نکردن نام کتاب مذکور به عنوان یکی از منابع مهم و اصلی سریال «یوسف پیامبر (ع)»، قرار منع تعقیب صادر می‌کند و این شکایت را فاقد وجهت تشخیص می‌دهد. در صورتی که عمل متهم، متضمن جرمی نباشد و یا دلایل کافی برای ارتکاب جرم وجود نداشته باشد، قرار منع تعقیب صادر می‌شود. شاکی به قرار صادره اعتراض می‌کند. طبق موازین قانونی، ریاست دادگاه ویژه‌ی رسیدگی به جرایم کارکنان دولت و رسانه‌ها فقط باید درباره‌ی قرار صادره که به آن اعتراض شده، بود اظهار نظر و آن را نقض یا تأیید می‌کرد، اما با تشکیل هیأت سه نفره‌ای، به رسیدگی ماهوی می‌پردازد.

در نهایت، ریاست شعبه‌ی 1083 دادگاه عمومی جزایی تهران، ویژه‌ی رسیدگی به جرایم کارکنان دولت و رسانه‌ها، با صدور دادنامه‌ی شماره‌ی 880997023060065 در تاریخ 25 اسفند 1388 «ف.س» نویسنده و کارگردان «یوسف پیامبر (ص)» را به سه سال زندان و مبلغ یک میلیارد و پانصد هزار تومان جریمه نقدی محکوم نمود. در بخش‌هایی از دادنامه صادره آمده است:

«...اولاً، با توجه به قدمت سه سال و نیم ایده، چارچوب داستانی و قصه‌ی فیلم‌نامه‌ی اعلامی از طرف شاکی در مهرماه 1377 بر ایده‌ی چارچوب داستانی و قصه‌ی فیلم‌نامه مشتکی عنه، «ف.س» به میزان 15 درصد از آثار تهیه و ارایه شده‌ی شاکی، استفاده‌ی غیرمجاز کرده که ارزش مادی این بخش از استفاده‌ی غیرمجاز معادل یک سوم از قیمت قرارداد تحقیق و نگارش فیلم‌نامه‌ی متهم با صدا و سیماست... مشتکی عنه از تاریخ پنجم آذرماه سال 79 تا پایان سال 82 به میزان 20 درصد از نسخ فیلم‌نامه‌ی دستی و چاپ و ارایه شده به صدا و سیما را که از طریق رئیس وقت

سازمان صدا و سیما و اشخاص دیگر سازمان در اختیار وی قرار گرفته است، پس از انعقاد و انجام قرارداد تحقیق و نگارش فیلم‌نامه‌ی سریال مورد استفاده‌ی غیرمجاز قرار داده و ارزش مادی آن معادل 20 درصد از قیمت قرارداد تحقیق و نگارش فیلم‌نامه‌ی منعقد بین مشتکی عنه صدا و سیما در موضوع ساخت سریال می‌باشد.

در ادامه رأی دادگاه آمده است: «متهم به میزان 20 درصد در ساخت تصویری، صوتی و بیانی سریال یوسف پیامبر(ع) (به کارگردانی مشتکی عنه) از سال 1383 به بعد از متن دو جلد کتاب فیلم‌نامه‌ی شاکی استفاده‌ی غیرمجاز کرده است. به طوری که ساختار یا شکل و محتوای فیلم‌نامه‌ی مکتوب شاکی با فیلم ساخته شده، هر دو در یک جهت از اهداف زیبایی شناسانه سازمان یافته‌اند و سیستمی مشترک از نشانه‌ها و تعبیرات را تشکیل داده و دربردارند، تا حدی که با وجود برخی منابع تحقیقی متمایز، مجموعه‌ی نمایشی حضرت یوسف(ع) از صور گوناگون به مفهوم اقتباس از کتاب فیلم‌نامه‌ی منتشر شده توسط شاکی، بسیار نزدیک شده است. چنانکه سریال در استفاده از برخی ایده‌های مشترک با متن فیلم‌نامه‌ی شاکی از پیکره‌ی کلی آن استفاده برده است و مراحل چهارگانه (پیدایش، بیان، ظهور و ایجاد) در تولید اثر نمایشی مذکور از داستان حضرت یوسف(ع) به صورت محسوس و ناغافل بر اساس فیلم‌نامه‌ی کتاب شاکی هدایت و به ثمر رسیده است و میزان تقصیر متهم در استفاده از کتاب مذکور به میزان حداقل بیست درصد بوده که سهم مشارکت شاکی در تولید سریال ساخته شده مشتکی عنه به این میزان قابل تعیین و ارزیابی است».

در پایان این دادنامه آمده است:

«با عنایت به سایر قرائن و امارات موجود در پرونده، به نظر دادگاه، اعتراض شاکی وارد تشخیص و سرقت هنری و استفاده‌ی غیرمجاز و غیرقانونی از اثر شاکی به شرح مذکور توسط متهم صورت پذیرفته است. لذا ضمن نقض قرار صادره و جلب به دادرسی، پرونده جهت انجام اقدامات قانونی به دادسرا اعاده می‌گردد. رأی صادره قطعی است.»

(<http://www.cinemaema.com/module-pagesetter-viewpub-tid-26-pid-2848.htm>)

«ف.س» در واکنش به این رأی اظهار داشت:

«سناریوی مجموعه‌ی یوسف پیامبر(ع) توسط جمعی سیزده نفره نگارش یافته. این متن از سال 79 تا 81 ابتدا از طرحی هشت صفحه‌ای، سپس خلاصه‌ای 28 صفحه‌ای در بیست و هشت قسمت و سپس سیناپس 160 صفحه‌ای و بعد در فیلم داستانی سیصد صفحه‌ای و در پایان در سناریویی هزار و هشتصد صفحه‌ای نگارش یافت و تمام دست نوشته‌ها از ابتدا تا انتها موجود می‌باشد و این جمع سیزده نفره که متشکل از 3 نفر محقق، 3 نفر کارشناس علوم قرآنی، یک نفر مشاور فیلم‌نامه و 5 نفر فیلم‌نامه نویس است، از ابتدا تا انتهای این سه سال در کنار یکدیگر خط به خط را با یکدیگر نوشته‌اند و بنده به عنوان نویسنده بر اجرای سناریو نظارت داشتم و همه تحقیقات و اصلاحات جمع را اجرا می‌کردم. در ثانی، متن آقای «ش.ط» را بنده به جز قسمت یازدهم آن اصلاً ندیده‌ام و کتاب آن را هم اجازه ندادم که اصلاً وارد مجموعه‌ی محل کارم شود و آن را بیرون انداختم. در اواخر سال 80 و بخشی از سال 81 به مدت یازده ماه این سریال در سیما فیلمی که بعضی از اعضای آن متن آقای «ش.ط» را خوانده بودند، مورد نقد و بررسی قرار گرفت. به همه‌ی این شواهد اضافه کنید نظارت استاد پرورش را که مدام مورد مشورت ما بود. با این همه می‌توانید بگویید همه‌ی این

تلاش‌های شبانه روزی برای دزدی از یک اثر قرآنی صورت گرفته؟! آقای «ش.ط.» ادعا کرده که متنش را در سال 81 در اختیار رئیس وقت صدا و سیما قرار داده و ایشان نیز به بنده داده‌اند. این، دروغ محض است. آقای «م.ل.» کتابی به بنده نداده‌اند. ایشان فقط قسمت یازدهم نسخه‌ی خطی این سناریو را به بنده دادند. بنده همه متن را هیچ‌گاه ندیده و در اختیار نداشته‌ام.

در جای دیگر گفته‌اند، آقای «م.ل.» به بنده برای ساخت مجموعه‌ی یوسف (ع) (از روی متن آقای «ش.ط.») پیشنهاد دادند. در حالی که بنده با آقای «م.ل.» شرط کرده بودم که متن سریال یوسف را باید خودم بنویسم و بر روی متن دیگری کار نخواهم کرد. آقای «م.ل.» اصرار کردند و یک قسمت از متن آقای «ش.ط.» (قسمت یازدهم) را به بنده دادند. بنده هم به احترام آقای «م.ل.» آن را خواندم و روز بعد به ایشان برگرداندم و گفتم این یک قسمت را قبلاً آقای «ش.ط.» به من داده بود و خوانده بودم، این اصلاً سناریو نیست و شباهتی هم با داستان حضرت یوسف قرآن ندارد و دیگر هیچ‌گاه متن و کتاب «ش.ط.» را ندیدم و نخواندم. آقای «ش.ط.» ادعا کرده اند که کلیات متن ایشان و بنده شبیه به هم است و بنده کلیات را از ایشان دزدیده‌ام و جزئیات را تغییر داده‌ام. اولاً که کلیات یوسف (ع) را در همه‌ی دنیا اگر همه‌ی نویسنده‌ها بنویسند جز آنچه که در کتب آسمانی و در قرآن هست، نمی‌توانند چیز دیگری بنویسند؛ پس اگر بنده تقلب کرده باشم ابتدا از روی دست خدا کرده‌ام که خداوند باری تعالی هم تاکنون از بنده به عنوان سارق قصه‌ی خود به هیچ دادگاهی شکایت نکرده است؛ ثانیاً، بگویند کجای جزئیات فیلم‌نامه‌ی ما از روی کتاب یوسف صدیق نوشته شده؟! در جای دیگر آقای «ش.ط.» گفته‌اند: «ف.س.» برای نگارش سریال یوسف پیامبر (ع) از توراتی تحریف شده استفاده کرده است و از طرفی مدعی هستند که از متن ایشان تقلب کرده‌ام. بنده به ایشان عرض می‌کنم: بالاخره متن شما و من اگر شبیه به هم است، باید هر دو متن از تورات تقلب شده باشد. اگر متن شما توراتی نیست پس متن من هم که از شما تقلب کرده‌ام توراتی نیست و اگر متن شما توراتی نیست و متن من هست، پس این دو شباهتی به یکدیگر ندارند....».

(<http://badafshan.com/index.php/news/1388-11-03-14-47-05/1046-1389-03-12-15-4608.html>)

2-7- نقد رأی دادگاه

ایراد شکلی رأی شعبه‌ی 1083 این است که بر اساس ماده 3 قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی 1381، ریاست دادگاه فقط باید درباره‌ی قرار صادره‌ی دادرسی که به آن اعتراض شده بود، اظهار نظر می‌کرد و آن را نقض یا تأیید می‌کرد، اما دادگاه به رسیدگی ماهوی پرداخته و بدون تکمیل سیر قضایی پرونده در دادرسی و انجام تحقیقات، حکم صادر می‌کند و پس از صدور حکم آن‌را به دادرسی ارجاع می‌دهد. ممکن است گفته شود، بر اساس تبصره‌ی 1 ماده‌ی 14 این قانون، قاضی می‌تواند به تکمیل تحقیقات بپردازد. در پاسخ باید گفت، اگر تحقیقات صورت گرفته باشد، لیکن به تکمیل نیاز داشته باشد، بر اساس تبصره‌ی 1

ماده‌ی 14 قاضی می‌تواند خود، تحقیقات را کامل کند یا اینکه تکمیل تحقیقات را از دادسرا بخواهد. اما درباره‌ی قرار منع تعقیب که هیچ‌گونه تحقیقاتی صورت نگرفته است، تبصره‌ی 1 ماده‌ی 14 قابل استناد نیست. مطابق قاعده‌ی کلی، «تحقیقات مقدماتی کلیه‌ی جرایم، به عهده‌ی بازپرس است» (بند و ماده‌ی 3 قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی 1381). ایراد دیگر، رسانه‌ای شدن رأی غیر قطعی دادگاه است که البته این ایراد لزوماً متوجه شعبه‌ی 1083 نیست.

از نظر ایراد ماهوی، باید گفت: نکته‌ی اساسی، ورود اشتباه قاضی به بحث است. وی می‌باید از منظر اصالت وارد رسیدگی می‌شد و اصالت یا عدم اصالت فیلم‌نامه‌ی متهم (آقای «ف.س») را بررسی می‌کرد. همچنین ایشان اصالت و تازگی را خلط کرده است، در حالی که شرط لازم برای حمایت از محصولات ادبی و هنری، نظیر فیلم‌نامه‌ها اصالت است نه تازگی. اصالت اثر ربطی به کیفیت اثر ندارد. لذا اینکه قاضی محترم، در دادنامه در تأیید کیفیت کتاب یوسف صدیق (ع) به نامه آیت الله جوادی آملی و.. استناد کرده است، درست نیست. البته حتی اگر کیفیت اثر نیز شرط حمایت بود، اثبات کیفیت کتاب یوسف صدیق نفیاً و اثباتاً با کیفیت فیلم‌نامه‌ی یوسف پیامبر (ع) که در معرض اتهام عدم اصالت است، ارتباطی ندارد. ایراد دیگر، توجه نکردن به اصالت مطلق و نسبی در رأی دادگاه است و نکته‌ی نهایی اینکه حتی اگر فیلم‌نامه‌ی یوسف پیامبر، اثر «ف.س»، سرقت ادبی باشد، مشخص نیست که چرا با توجه به طرح 20٪ مشابهت میان دو اثر، در رأی دادگاه به حداکثر مجازات، حکم داده شده است.

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های دعاوی مالکیت فکری با سایر دعاوی مالکیت این است که در دعاوی مالکیت فکری، بعد از حکم دادگاه نیز جبران کامل آسیب‌های وارد شده به حیثیت علمی مؤلف یا حیثیت هنری هنرمند غیر ممکن است. این مسأله اهمیت خاص دعاوی مالکیت فکری را می‌رساند.

نتیجه‌گیری

اصالت مفهوم شخصی دارد، نه نوعی. مثلاً، اگر دو فیلم‌نامه‌نویس، یکی پس از دیگری درباره‌ی یک ایده یا داستان (مثلاً داستان قرآنی) فیلم‌نامه بنویسند، اثر هریک با توجه به اینکه برآمده شخصیت پدید آورنده است، اصیل دانسته می‌شود؛ هرچند که فیلم‌نامه‌ی دوم، نو نیست. تازگی شرط ضروری برای حمایت از این آثار نیست. مهم‌ترین تفاوت‌های اصیل بودن و نو بودن عبارتند از:

اول - اصیل بودن به شکل بیان اثر اشاره دارد ولی نو بودن به ماهیت اثر.
دوم - اصیل بودن درباره‌ی آثار ادبی و هنری لازم است اما نو بودن درباره‌ی آثار صنعتی.
سوم - اصیل بودن، نشانه‌ی تلاش خلاقانه است اما نو بودن به معنی نبود مشابه یک اثر در گذشته است.

چهارم - اصیل بودن جنبه‌ی شخصی دارد ولی نو بودن جنبه‌ی نوعی.
پنجم - اصیل بودن گاهی مطلق است و گاهی نسبی، ولی نو بودن همیشه مطلق است. اصالت ممکن است مطلق یا نسبی باشد. پدیدآورنده‌ی اثر دارای اصالت مطلق بدون هیچ قید و شرطی دارای حق مؤلف است در حالی که پدید آورنده‌ی اثر دارای اصالت نسبی باید حقوق مادی و معنوی پدید آورنده‌ی اثری را که مبنای اثر او بوده، رعایت کند.

نکته‌ی اساسی در رأی شعبه‌ی 1083 درباره‌ی پرونده‌ی آقای «ف.س»، ورود اشتباه قضایی به بحث است. وی می‌بایست از دیدگاه اصالت به پرونده رسیدگی می‌کرد، و اصالت داشتن یا اصالت نداشتن فیلم‌نامه‌ی متهم را بررسی می‌کرد. همچنین ایشان بین اصالت و تازگی خلط کرده است. اصالت، به کیفیت اثر ربطی ندارد لذا اینکه قاضی محترم در دادنامه برای تأیید کیفیت کتاب یوسف صدیق به نامه‌ی آیت الله جوادی و... استناد است، ایراد مبنایی دارد. ایراد دیگر، توجه نکردن به اصالت مطلق و نسبی در رأی دادگاه است. فیلم‌نامه‌ی یوسف پیامبر (ع) نسبت به قرآن کریم، اصالت نسبی به معنای عام دارد، هرچند در اینجا موضوعاً حفظ حقوق پدیدآورنده‌ی اثر پایه مطرح نیست. بنابراین بیست درصد شباهت کلی، برای دو اثری که هر دو از قرآن اقتباس شده است، سرقت ادبی محسوب نمی‌شود. این دو فیلم‌نامه قاعداً بیشتر از این نیز می‌توانند شباهت داشته باشند. بگذریم که در حکم دادگاه از یک سو ادعای بیست

درصد شباهت بدون ذکر جزئیات شده و از سوی دیگر، به حداکثر ضمانت اجرایی کیفری (سه سال حبس) حکم داده شده است.

فهرست منابع

الف - فارسی

- اسماعیلی، محسن، (1384)، آثار مورد حمایت در حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری ایران و شرایط آن، فصلنامه‌ی پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش 28.
- امامی، اسدالله، (1386)، حقوق مالکیت معنوی، جلد 1، تهران: بنیاد حقوق میزان.
- انصاری، باقر، (1386)، شرایط اثر قابل حمایت، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، ش 45.
- حکمت نیا، محمود، (1387)، مبانی مالکیت فکری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- زرکلام، ستار، (1387)، حقوق مالکیت ادبی و هنری، تهران: سمت.
- السنهوری، عبدالرزاق احمد، (بی تا)، الوسيط فی شرح القانون المدنی الجديد، قاهره: دارالنهضة العربیه.
- شبیری، سیدحسن، (1389)، پیش نویس لایحه‌ی قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مجاور، تهران: شورای عالی اطلاع رسانی.
- صفایی، سید حسین، (1375)، مقالاتی درباره‌ی حقوق مدنی و تطبیقی، تهران: نشر میزان.
- گرباود، (1380)، الفبای حقوق، مترجم: غلامرضا لایقی، تهران: خانه‌ی کتاب.
- محمدزاده وادقانی، علیرضا، (1385)، اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان، تهران: نشر میزان.

ب - قوانین و کنوانسیون‌ها

- قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، اصلاحی 1381.
- قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان، مصوب 1348.
- قانون مالکیت فکری فرانسه و آلمان (1384)، ترجمه: زرکلام، ستار، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- کنوانسیون برن، مصوب 1886.
- کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی، مصوب 14 جولای 1976م.

ج - انگلیسی

- Bertand, Andre, (1999), *Le droit d auteur et les droits voisins*, 2eme.ed, Dalloz, Paris.
- Bruce A.Lehman, (1995), *Intellectual property and National Information Infrastructure*.
- Cass.Civ (2 May 1989), in Michel vivant, les grandes arrest de la proprite intellecualle, Dalloz (2003).

- Computer and science and Telecommunications Board (CSTB), (2002), Washington National ACADEMY press.
- Council Directive 91/250/EEC of 14 May 1991 on the Legal Protection OF Computer Programs. At: http://europa.eu/legislation_summaries/other/126027_en.htm.
- Davies, Gillian, (2002), **copyright and the public interest**, London, sweet & Maxwell.
- Desbois, Henri, (1978), **Le droit d auteur en France**, 3 eme. Ed., paris, Dalloz.
- Directive 2001/29/EC of the European Parliament and of the Council of 22 May 2002 on the Harmonization of Certain Aspects of Copyright and Related Rights in the Information Society. At: http://europa.eu.int/smartapi/cgi/sga_Doc?smartapi!celexapi!prod!CELEX_numDoc&numdoc=32001L0029&model=guichett&lg=en.
- Directive 96/9/ EC OF the European Parliament and of the Council of 11 March 1996 on the Legal Protection of Databases. At: http://europa.eu/legislation_summaries/internal_market/businesses/intellectual_property/126028_en.htm.
- Gautier, Pierre Yves, (1999), **propriete litteraire et artistique**, 3eme. Ed., Paris, puf.
- Hart, Tina & Linda Fazzani, (2004), Intellectual property Law, Palgrave.
- <http://badafshan.com/index.php/news/1388-11-03-14-47-05/1046-1389-03-12-17-46-08.html>
- <http://www.cinemaema.com/module-pagesetter-viewpub-tid-26-pid-2848.htm>
- Kerever, Andre, (1996), **jurisprudence**, RIDA, n.169, Paris, pp.215-252.
- Lucas, Andre and Henri-Jacques, (2001), **Traite de propriete litteraire et artistique**, Litec.
- Pobert Schuman, (1998), **Creation dun produit Multimedia**: Negotioation des Droits Propriete Intellectuelle centre D Etudes Europeannes.
- Steawel, A., (2006), **Le droit dauterur**, Bruxelles Bruylant.
- Walravense, Nadia, (1996), **Revue unctionale de droit dauteur (RIDA)**.
- Wilson, Caroline, (2003), **Intellctual property law**, London, sweet & Maxwell.